

علاقه استراتژیک هند در آسیای مرکزی

مینا سینگر وی^۱

ثبات در جمهوری‌های آسیای مرکزی اثرات قابل توجهی بر امنیت داخلی هند، روسیه و دیگر کشورهای همسایه دارد. آسیای مرکزی منطقه جدید ژئوپلتیک است که نقش استراتژیک مهمی در سالهای اخیر ایفا می‌نماید. آسیای مرکزی در مرکز سه تمدن بزرگ اسلامی، مسیحی و بودایی قرار داشته و از طرف بسیاری از محققان به‌عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین مناطق همراه با بی‌ثباتی محسوب می‌گردد. آسیای مرکزی یک منطقه حائل طبیعی و تاریخی را شکل می‌دهد؛ همان‌طور که کانون افراط‌گرایی به حساب می‌آید. برخورداری از موقعیت مرکز شبه قاره اوراسیا همراه با احراز یکی از مسیرهای مناسب حمل و نقل است. منطقه آسیای مرکزی از نظر معادن به‌ویژه هیدروکربن‌ها غنی است و برای بازار مصرف هنوز ذخایر استخراج نشده‌اند. تمامی این عوامل کشورهای گوناگون را شایق به حضور در کشورهای آسیای مرکزی می‌نماید. کارشناسان اظهار می‌دارند آسیای مرکزی در قرن ۲۱ منطقه مهمی محسوب می‌شود. هند به‌عنوان یک همسایه باواسطه آسیای مرکزی دارای منافع اقتصادی و ژئواستراتژیک در این منطقه می‌باشد. دورنمای همکاری بین آسیای مرکزی و هند در زمینه امنیت انرژی بسیار مهم است. صلح و ثبات در جمهوری‌های آسیای مرکزی و افغانستان حیاتی‌ترین عامل برای امنیت هند است. قدرتهای جهانی در حال حاضر به‌خوبی به خطرات افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم پی برده‌اند. هند می‌باید از فرصت همکاری با دیگر قدرتهای جهانی جهت غلبه بر تهدید در حال افزایش افراط‌گرایی مذهبی استفاده کند.

موضوع روابط هند و آسیای مرکزی موضوعی جدید نیست. روابط نزدیک تاریخی، همیشه این دو را به یکدیگر متصل کرده است و منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان همسایه پیوسته هند پذیرفته شده است. در اینجا بجا خواهد بود که این امر را

۱. خانم مینا سینگر وی (Meena Singh Roy) محقق هندی مسایل آسیای مرکزی می‌باشد. این مقاله منتخب از مجله تحلیل راهبردی *Strategic Analysis*، سال ۲۴، شماره ۱۲، مارس ۲۰۰۱، چاپ هند، توسط دکتر اسماعیل شفیعی از متن انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

مورد تأکید قرار گیرد که روابط دیرینه بین دو منطقه که قدمت آن به قرن‌ها می‌رسد از طریق تعامل فرهنگی شکل گرفته است. ابعاد مختلف فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ روشنفکری دو منطقه نشان می‌دهد که آنها به صورت انتزاعی وجود نداشته بلکه دادوستد متقابل فرهنگی موجب باروری آنها گشته است. در عصر جدید اهمیت آسیای مرکزی برای هند صرفاً تمدنی و تاریخی نیست؛ بلکه به لحاظ ژئوپولیتیک و اقتصادی نیز می‌باشد. آسیای مرکزی اهمیت استراتژیک زیادی برای هند داشته و حوزه‌های بسیار زیادی جهت همکاری‌های عملی سودمند بین این دو وجود دارد. اهمیت و تأکید روابط بین جمهوری‌های آسیای مرکزی و هند را می‌توان به وسیله اهمیت صلح و ثبات آسیای مرکزی برای منطقه تعریف کرد. به رغم حضور کم رنگ هند در جمهوری‌های آسیای مرکزی، این کشورها فرصت‌های زیادی را فراهم می‌کنند که اگر از این فرصت‌ها استفاده شود به تحکیم اهداف کوتاه مدت و بلند مدت سیاست خارجی هند در منطقه کمک خواهد کرد.

در همین زمینه است که مقاله کنونی منافع پدیدار شده هند در جمهوری‌های آسیای مرکزی را شناسایی می‌کند. همچنین این مقاله به ارزیابی راههای مختلف همکاری با این کشور که هند منافع مشترک زیادی با آنها دارد می‌پردازد، مقاله حاضر به منافع ژئواستراتژیک هند در منطقه با تأکید ویژه به مسایل اسلام سیاسی، مواد مخدر و قاچاق اسلحه می‌پردازد. همچنین به منافع اقتصادی و انرژی پرداخته می‌شود.

اهمیت جغرافیایی آسیای مرکزی

پایان اتحاد شوروی واقعیت جدیدی را در گستره وسیع اورآسیا به وجود آورد. پنج جمهوری جدید آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان) هر یک با سیاست‌ها و مسایل هویت ملی خود متولد شد.^(۱) به لحاظ جغرافیای طبیعی، آسیای مرکزی را می‌توان به عنوان دورترین قسمت جزیره‌ای آسیا جدا شده از اقیانوس‌های جهان در

میان پهناورترین بخش کره خاکی توصیف کرد.^(۲) موقعیت ژئواستراتژیک کشورهای آسیای مرکزی این منطقه را فوق العاده محوری کرده است. جمهوری‌های آسیای مرکزی بر سر راه روسیه، خاورمیانه، جنوب آسیا و خاور دور قرار دارند. هر گونه تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه اثرات خود را به صورت اجتناب ناپذیری بر کشورهای منطقه خواهد داشت.

اهمیت بین‌المللی معاصر کشورهای جدید آسیای مرکزی منعکس‌کننده پتانسیل اقتصادی و جمعیت‌شناسی، موقعیت جغرافیایی، ماهیت روابط آنها با کشورهای دیگر بخصوص با کشورهای همجوار و همچنین نقش آنها در سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. بیش از ۵۵ میلیون نفر در این منطقه زندگی می‌کنند^(۳) که سرشار از منابع طبیعی، توانایی بالقوه اقتصادی، علمی و تکنولوژیک است. با اتمام پروژه راه آهن سرتاسری آسیایی و گسترش راه‌های ارتباطی زمینی و هوایی اهمیت تجاری و اقتصادی آسیای مرکزی افزایش خواهد یافت. زیرا از این راهها به‌عنوان راهی برای عبور محموله‌های زیادی به آسیا و منطقه اقیانوس آرام، اروپا و آسیای غربی همچنین از غرب به شرق استفاده خواهد شد.^(۴) بیشتر کشورهای آسیای مرکزی دارای ذخایر غنی نفت و گاز هستند. آنها همچنین دارای انرژی آبی ارزان هستند؛ بخصوص در تاجیکستان و قرقیزستان. این امر توجه کشورهای مختلف و هند را بخود جلب کرده است. تعداد زیادی از شرکت‌های روسی، آمریکایی، ترک و ایرانی و شرکتهای دیگر در حال رقابت برای کسب حقوق بهره‌برداری و حمل نفت قزاقستان و گاز طبیعی ترکمنستان به بازارهای جهانی می‌باشند. در حقیقت، امروزه آسیای مرکزی ناحیه‌ای حیاتی در سیاست خارجی کشورهای جنوب، شرق و غرب آسیا هستند. ایالات متحده آمریکا جهت‌گیری جدیدی جهت ایجاد پیوندهای بیشتر با جمهوری‌های سابق اتخاذ کرده است. روسیه در تلاش است که چارچوب جدیدی برای همکاری با این کشور ایجاد کند. چین هم استثنا نیست و از این گرایش پیروی می‌کند. هند تلاش جدی می‌کند که با کشورهای آسیای مرکزی روابط نزدیک برقرار نماید. کشورهایی مانند ترکیه، ایران، عربستان سعودی، افغانستان و پاکستان در تلاش هستند که

موقعیت با نفوذی در منطقه داشته باشند. ژاپن و کره جنوبی با این جمهوری‌ها روابط اقتصادی برقرار می‌کنند. هند به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال ظهور در جنوب آسیا به‌طور طبیعی به تحولاتی که در منطقه یا نزدیک به آن اتفاق می‌افتد و ممکن است پیامدهایی برای امنیت این کشور داشته باشد علاقه‌مند است.

علائق ژئواستراتژیک هند

ظهور جمهوری‌های آسیای مرکزی با جمعیت غالب مسلمان اما در حقیقت چند قومی و چند مذهبی، بعد جدید استراتژیک به ژئوپولیتیک کل آسیا و بخصوص برای کشورهای که بلافاصله در مجاور آن قرار دارند افزوده است. آسیای مرکزی در تقاطع استراتژیک دو قدرت هسته‌ای روسیه و چین و در نقطه تلاقی روسیه و جهان اسلام قرار دارد. آسیای مرکزی مرز مشترک با افغانستان دارد که یک منبع عمده گسترش افراط‌گری مذهبی در منطقه است. هند دارای منافع حیاتی در امنیت و ثبات سیاسی این منطقه می‌باشد. آشکارا با توجه به مسأله کشمیر، هند نمی‌تواند بی‌تأثیر از تحولات منطقه آسیای مرکزی باشد. هرگونه پیشروی توسط گروه‌های افراطی مذهبی در جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌تواند عناصر مشابه در کشمیر را قدرت بخشد. به دلایلی جغرافیایی نگرانی استراتژیک هند با مناطق مجاور شمال و شمال غربی کشور گره خورده است. پاکستان در شمال غربی هند تضاد آشتی‌ناپذیر خود را با هند ادامه می‌دهد. پاکستان مدتهاست که از تروریسم نفوذ به درون مرزهای هند حمایت می‌کند. برای هند موضوع کشمیر نه فقط به سرنوشت چهار میلیون مسلمان که در دره کشمیر زندگی می‌کنند بلکه به صلح و امنیت صد و سی میلیون مسلمان که در مناطق مختلف هند زندگی می‌کنند مربوط می‌شود.^(۵) بنابراین برای هندوستان اهمیت ژئواستراتژیک جمهوری‌های آسیای مرکزی بسیار زیاد است. تحت هیچ شرایطی هند نمی‌تواند این منطقه را نادیده بگیرد. از طرف دیگر، بی‌ثباتی در افغانستان هم اثر بدی بر صلح و امنیت در منطقه داشته است.

بیشتر کشورهای همسایه متقاعد شده‌اند که افراطیونی که در افغانستان تحت نام طالبان خود را تحکیم می‌کنند باعث بی‌ثباتی آسیای جنوبی و مرکزی خواهند شد. هند بیم آن را دارد که گسترش طالبان باعث افزایش فشار بر کشمیر و دسترسی استراتژیک پاکستان به دروازه‌های آسیای مرکزی خواهد شد. افغانستان و پاکستان نقش خود را به عنوان بازیگران اصلی در ایجاد بی‌ثباتی در جمهوری‌های آسیای مرکزی و همچنین هند ادامه خواهند داد. چنانچه الگوی بی‌ثبات سازی و منازعات منطقه‌ای که تجلی آن در افغانستان و بعضی از جمهوری‌های آسیای مرکزی بخصوص در تاجیکستان دیده می‌شود ادامه یابد، محیط امنیتی جنوب آسیا که از قبل تحت فشارهای شدیدی است ممکن است به وضعیت انفجاری برسد. با توجه به اوضاع توصیف شده علائق استراتژیک بلند مدت هند در به‌وجود آوردن همکاری‌های نزدیک با کشورهای آسیای مرکزی، آشکار است.

نکته دیگری که در اینجا باید به آن اشاره شود این است که منطقه آسیای مرکزی ناحیه‌ای است که دارای اهمیت بسیار زیادی برای اروپا، آمریکا، چین و ایران است. ایالات متحده آمریکا در تلاش است تا پیروزی‌های ایران و روسیه را تضعیف کند. چین میلیاردها دلار برای توسعه میدانهای نفتی آسیای مرکزی سرمایه‌گذاری کرده است تا نیازهای انرژی خود را تأمین کند. اروپا خواهان گسترش نفوذ خود با گسترش ناتو بطرف شرق و از طریق برنامه مشارکت برای صلح می‌باشد. تمام این تحولات ممکن است موجب رقابت‌های سیاسی در آسیای مرکزی شود. این رقابت‌ها قطعاً پیامدهایی خواهد داشت و هند باید بررسی کند که این تحولات اثر مناسب دارد یا نه. مسأله‌ای که به هند مربوط می‌شود این است که هرگونه نفوذ خارجی در جمهوری‌های آسیای مرکزی پیامدهای جدی برای کشورهای منطقه خواهد داشت خواه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم.^(۶) مسأله مرتبط دیگر با تحولات جمهوری‌های آسیای مرکزی افراط‌گری مذهبی، تروریسم یا آن چه کشورهای آسیای مرکزی اسلام سیاسی می‌نامند و مسأله مواد مخدر و قاچاق اسلحه می‌باشد.

افراط‌گری مذهبی - اسلام سیاسی - تروریسم

امروزه نگرانی‌های امنیتی در حال افزایشی در آسیای مرکزی و جنوب آسیا در مورد تروریسم پشتیبانی شده توسط دولت‌ها و نفوذ و عبور از مرزها، افراط‌گری مذهبی، اسلام سیاسی و ناآرامی‌های قومی که از افغانستان و پاکستان جریان پیدا می‌کند وجود دارد. تروریسم به شکل تهدیدهای غیرمتعارف در روسیه، هند و کشورهای آسیای مرکزی در حال گسترش است. همچنین، تروریسم بُعد جدیدی به صورت شبکه‌های فراملی مالی، تکنولوژیک و ایدئولوژیک یافته است. این پیوستگی‌ها تروریسم را از لحاظ منطقه‌ای و بین‌المللی به صورت یک منبع قوی جهت بی‌ثبات سازی تبدیل کرده است. هند با مشکل تروریسم نفوذ به درون مرزهایش در منطقه جامو و کشمیر روبروست که این مسأله توسط پاکستان پشتیبانی می‌شود. روسیه در چین و آسیای مرکزی (ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان) با چنین مشکلی روبرو هستند. در همین زمان گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه «خطاب»^۱ فرمانده عملیاتی چچنی که متولد اردن است و هم‌رزم آسیای مرکزی او جومبایی نمغانی^۲ اعلام کرده‌اند که تشکیل یک کشور اسلامی در جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع جزو اهداف آنهاست. آنها تصمیم دارند که این امر را با پشتیبانی جنبش‌های بنیادگرایانه در افغانستان، پاکستان و غرب آسیا انجام دهند.^(۷) گفته می‌شود که جنبش اسلامی در ازبکستان^۳ که توسط گروه‌های وهابی افراطی و اسامه بن لادن حمایت مالی می‌شود در تلاش است از نارضایتی قابل توجه اقلیت قومی فقیر تاجیک که در منطقه فرغانه تشکیل اکثریت می‌دهند استفاده کند و آنها را تحریک به شورش کند. اخیراً وزیر امور خارجه ازبکستان عبدالعزیز کامل اف^۴ اعلام کرد که سازمان‌های اسلامی بنیادگرا مشغول آموزش نظامی به ۴۰۰ چریک جوان ازبک و تاجیک در اردوگاه‌های افغانستان و پاکستان هستند. ازبکستان سه سازمان پاکستانی: جنبش مذهبی جهاد MHJ، مکتب الارشاد

1. Khattab

2. Jumbai Namaughani

3. The Islamic Movement of Uzbekistan (IMU)

4. Abdulaziz Kamilov

DUE و جامعه علمای اسلامی IUS را متهم کرده است که به طور مخفیانه صدها نفر از مردمان آسیای مرکزی را در مراکز مختلف در پاکستان با هدف براه انداختن حملات تروریستی و بی‌ثبات‌سازی و سرنگونی دولتهای آسیای مرکزی آموزش می‌دهند.^(۸) گزارش شده است که عناصر رادیکال مخالفین متحد از یک در قندهار تجمع کرده‌اند و انتظار می‌رود که از این پایگاه حمله‌های بی‌امان مرزی خود را در آن سوی آمو دریا علیه تاشکند آغاز کنند. در همین هنگام، ازبکستان در مرزهای جنوبی خود با افغانستان جنگ زده مشغول جنگ با صدها شورشی می‌باشد. در فوریه ۱۹۹۹، رئیس‌جمهور ازبکستان اسلام کریم‌اف به‌طور معجزه‌آسایی از مرگ نجات یافت زیرا چندین بمب در پایتخت تاشکند منفجر شد، دیوید لوئیس^۱ عضو گروه کنترل خطرات چنین گفت «که این‌گونه ناپایداری‌ها می‌تواند ادامه داشته باشد و من فکر نمی‌کنم که بزودی خاتمه پیدا کند».^(۹)

گسترش خشونت در مجاورت کمر بند جنوبی آسیای مرکزی که ذخایر نفتی غنی دارد یک یادآوری آشکار به رهبران، دیپلمات‌ها و بازرگانان می‌باشد که ناآرامی‌ها در منطقه احتمالاً در آینده نزدیک خاتمه نخواهد یافت. در اوایل اوت ۲۰۰۰ یک گروه سی تا چهل نفری از شورشیان مسلح از تاجیکستان با نیروهای دولتی در جنوب قرقیزستان به درگیری پرداختند. این بدترین خشونت در منطقه از اوت ۱۹۹۹ می‌باشد که طی آن صدها نفر مسلح از تاجیکستان وارد قرقیزستان شدند و چهار زمین شناس ژاپنی را برای مدت دو ماه به گروگان گرفتند.

خشونت و ناآرامی در افغانستان اثرات منفی بر جمهوری‌های آسیای مرکزی و هند دارد. افغانستان منبع افراط‌گری شدید مذهبی گردیده است. طالبان هیچگونه احترامی برای قواعد بین‌المللی قایل نیستند. در مصاحبه‌ای که احمد شاه مسعود با یک نویسنده آسیای مرکزی داشت اظهار داشت: «افغانستان فقط یک پایگاه اولیه برای تروریست‌هایی است که در مناطق تحت کنترل طالبان اقامت دارند و طالبان در پایگاه‌های مخصوصی مشغول آموزش‌های نظامی

1. David Lewis

به افرادی از ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان و دیگر کشورها هستند. در این اردوگاهها کارشناسانی از سازمان اطلاعات پاکستان ISI مشغول تعلیمات نظامی ویژه‌ای می‌باشند. هدف از این آموزشهای نظامی ایجاد جنبش‌های زیر زمینی بنیادگرا در آسیای مرکزی، روسیه و چین و تحت تأثیر قرار دادن اوضاع در این کشورها می‌باشد. این فرآیند تبدیل به یک نظام سازمان یافته گردیده که ظاهراً طبیعی به نظر می‌رسد؛ اما یک استراتژی برنامه‌ریزی شده منظم وجود دارد و همه آنها هماهنگ شده از یک مرکز می‌باشد.^(۱۰) وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا در گزارش خود مربوط به تروریسم، افغانستان و پاکستان را کانون‌های مهم که به تروریست‌ها پناه می‌دهند می‌داند. این کشورها زمینه ساز تروریسم بین‌المللی گردیده‌اند. ایالات متحده آمریکا در اکتبر ۱۹۹۷، گروه حرکت الانصار HUA و ۲۹ گروه دیگر را به‌عنوان گروه‌های تروریستی نامیده است. حرکت الانصار در فعالیتهای تروریستی فرامرزی در کشمیر، بوسنی، تاجیکستان، میانمار، چین، و تعدادی کشورهای آفریقایی و کوزوو درگیر است.

افغانستان تبدیل به مرکزی برای آموزش افراد از کشورهای مختلف از جمله پاکستان، هند، یمن، عربستان سعودی و حتی عده‌ای چینی (اقلیت‌های اویغور از سین کیانگ) جهت براه انداختن جهاد و شرکت در عملیات نظامی از طرف طالبان گردیده است. بر اساس اطلاعاتی که از اسرای طالبان گرفته شده است مدرسه‌های علمیه، طلبه برای طالبان تربیت می‌کنند. این مدرسه‌ها در نزدیکی پیشاور پاکستان قرار دارند. مهمترین مرکز، مدرسه حقانیه است که توسط روحانی معروف ملامسحیح الحق^۱ اداره می‌شود. اویغورها چین را با گذرنامه‌های بازرگانی به قصد قرقیزستان یا قزاقستان ترک می‌کنند. در آنجا آنها از سفارت پاکستان ویزا دریافت می‌کنند و سفر خود را ادامه می‌دهند (عموماً از طریق کراچی). بنابه گفته احمد شاه مسعود «تعداد زیادی از اردوگاههای تروریستی در کنار مرزهای شمالی بخصوص در کندوز و بلخ وجود دارد». او توضیح می‌دهد که در این مکانها آنها خود را برای فعالیت‌های خرابکارانه علیه کشورهای آسیای مرکزی

آماده می‌کنند. به لحاظ قانونی، آنها در عملیات نظامی در افغانستان شرکت نمی‌کنند. گروه‌های اویغور در مزار شریف نیز می‌باشند، چچنی‌ها اغلب در ریشخور^۱ و عده‌ای نزدیک شهرهای تگاب^۲ و نجروب^۳ هستند.^(۱۱) شکست کوتاه مدت نیروهای ضد طالبان می‌تواند یک بحران انسانی را در آسیای مرکزی ایجاد کند. زیرا دهها هزار طرفداران ربانی و خانواده‌هایشان احتمالاً به تاجیکستان و ازبکستان فرار می‌کنند. این امر پیامدهای امنیتی جدی برای دو کشور بدنبال خواهد داشت؛ زیرا هر دو در تلاشند تا با نارضایتی اجتماعی ناشی از وضعیت فاجعه‌آمیز اقتصادی کشورشان مقابله کنند. سرازیر شدن تعداد قابل توجهی از آوارگان به این کشورها تنش‌های موجود را شدت می‌بخشد. بخصوص در ازبکستان که رئیس جمهور اسلام کریماف مبارزه‌ای جدی جهت سرکوب اسلام‌گرایان رادیکال آغاز کرده است. پیروزی دراز مدت طالبان راه را برای مبارزان اسلام‌گرا به لحاظ فراهم کردن زمینه ایدئولوژیک، لجستیکی و حمایت مادی هموار خواهد کرد و آنها به مبارزه خود در آسیای مرکزی، روسیه، چین و هند ادامه خواهند داد. این امر همچنین باعث گسترش قابل توجه قاچاق مواد مخدر خواهد شد که در حال حاضر یکی از عوامل ایجادکننده بی‌ثباتی در آسیای مرکزی است.^(۱۲)

مشکل مواد مخدر و قاچاق اسلحه

مسأله دیگری که مرتبط با تروریسم می‌باشد و مسأله‌ای است که هند، روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی با آن دست به‌گریبان هستند قاچاق مواد مخدر می‌باشد. درآمد قابل توجه از محل تجارت مواد مخدر در آسیای مرکزی باعث تهدید جدی بر علیه ثبات در آسیای مرکزی است، آسیای مرکزی به‌شدت از گسترش تولید هروئین در افغانستان آسیب دیده است. مافیای روسیه که در زمان اشغال افغانستان روابط خود را با افغانستان برقرار کرده است از

1. Rishkhor

2. Tagab

3. Nejob

شبکه گسترده خود جهت حمل هروئین از طریق آسیای مرکزی به روسیه، بالتیک و از آنجا به اروپا استفاده می‌کند. تاجیکستان و قرقیزستان راه عمده جهت حمل تریاک گردیده است و خود نیز تبدیل به تولیدکننده این ماده شده‌اند. در ژانویه ۱۹۹۹، رئیس جمهور تاجیکستان امامعلی رحمان اف در یک کنفرانس بین المللی اعلام کرد که روزانه نزدیک به یک تن مواد مخدر از طریق افغانستان به کشورش وارد می‌شود. بنا به گفته منابع از بکستان، در سال ۱۹۹۸ یازده درصد افزایش ورود مواد مخدر از افغانستان به آن کشور وجود داشته است. در سال ۱۹۹۹، ترکمنستان که سیاست ملایمی نسبت به طالبان اتخاذ کرده است تبدیل به راه اصلی جهت صادرات هروئین به افغانستان گردیده است.^(۱۳) بنا به گفته منابع قزاقستانی در سال ۱۹۹۹ نهادهای قانونی کشور ۲۳ تن مواد مخدر را کشف و مصادره کرده‌اند.^(۱۴) نیروهای امنیتی روسیه و تاجیکستان به کمک سازمان ملل متحد در هشت ماه اول سال ۲۰۰۰، ۶۰۰ کیلو هروئین که مبدأ آن افغانستان بوده است کشف کرده‌اند. این مقدار مواد مخدر کشف شده چهار برابر مقدار کشف شده در همین مدت در سال ۱۹۹۹ می‌باشد.^(۱۵) بدین لحاظ، این منطقه تبدیل به ناحیه‌ای با ارزش برای تجارت جهانی مواد مخدر گردیده است. این کشورها از لحاظ داخلی بی ثبات و از لحاظ اقتصادی ضعیف هستند. جمعیت فقیر دهقانی این مناطق در معرض وسوسه درآمد حاصل از مواد مخدر جهت تغذیه خانواده‌های خود هستند در جنوب قرقیزستان به تنهایی نزدیک به چهار میلیون نفر درگیر حمل، کشت و به عمل آوردن ماده خام مواد مخدر هستند. در نتیجه، امروزه قرقیزستان بیش از میانمار و تایلند مواد مخدر صادر می‌کند. در مناطق مرزی مجاور تاجیکستان، قاچاقچیان مواد مخدر ده‌ها هزار تن تریاک را انبار کرده و آزمایشگاه‌های زیرزمینی جهت تهیه تریاک و هروئین تأسیس کرده‌اند و حال آنها اقدام به پخش هروئین (خالص‌ترین شکل مواد مخدر) در بازارهای بین‌المللی کرده‌اند. بنا به گفته کارشناسان، افغانستان صادرکننده ۷۵ درصد تریاک دنیا است^(۱۶) بنا به گفته دفتر کنترل مواد مخدر و مبارزه با جنایت سازمان ملل متحد، ۶۵ درصد مواد مخدر که از افغانستان خارج می‌شود از طریق آسیای مرکزی به بازارهای

جهانی راه پیدا می‌کنند. مقامات آسیای مرکزی فقط کمتر از ۵ درصد از کل محموله‌هایی که از منطقه عبور می‌کنند را ضبط می‌نمایند.^(۱۷) مقامات کنترل مواد مخدر می‌گویند که قاچاقچیان مواد مخدر در حال تحکیم موقعیت خود هستند و از لحاظ فنی به امکانات پیچیده‌ای دست یافته‌اند؛ دارای مدرن‌ترین سلاح‌ها و وسایل حمل و نقل می‌باشند و حتی آنها موشک‌های زمین به هوا در اختیار دارند.^(۱۸)

تنها یک گروه نیست که حمل مواد مخدر از افغانستان و شبکه تولید - توزیع مواد مخدر کشت شده را در اختیار داشته باشد. گروه‌های جنایتکار از روسیه و قفقاز قدرتمندترین مافیای مواد مخدر در منطقه را تشکیل می‌دهند. یکی از مهمترین راههای قاچاق مواد مخدر توسط گروه IMU کنترل می‌شود. مقادیر عظیم مواد مخدر از افغانستان و پاکستان از طریق شاهراه کوهستانی ۷۲۵ کیلومتری خارگوش^۱ به تاجیکستان و دره فرغانه حمل می‌شود. از همین نقطه مواد مخدر توزیع و از طریق قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان به طرف روسیه و غرب فرستاده می‌شود. مواد مخدر از طریق دو راه وارد روسیه می‌شود: یکی از طریق مثلث طلایی جنوب شرق آسیا از طریق خاور دور و دومی از جنوب غرب آسیا، عمدتاً افغانستان و پاکستان از طریق آسیای مرکزی و جنوب قفقاز. سپهبد الکساندر سرگئیف^۲ رئیس بخش مبارزه با مواد مخدر روسیه در یک کنفرانس مطبوعاتی که در ژوئن ۲۰۰۰ در دومودووو^۳ برگزار شد اعلام کرد که روسیه نیاز به یک کمربند ایمنی دیگری جهت مسدود کردن کانال‌های ورود مواد مخدر از افغانستان دارد. عمدتاً همان راهی که برای حمل نقل مواد مخدر به اروپا استفاده می‌شود. او افزود به رغم وجود اولین کمربند ایمنی در اطراف افغانستان، مواد مخدر از این کشور از طریق ترکیه و بالکان به اروپا می‌رسد؛ به‌تازگی راه قاچاقچیان مواد مخدر به مسیر شمال تغییر یافته است. مواد مخدر از طریق تاجیکستان و روسیه به اروپای غربی منتقل می‌شود^(۱۹) برنوداتو^۴ رئیس بخش کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جنایت شعبه مسکو وابسته به سازمان ملل متحد می‌گوید: «در حدود

1. Kharogosh
3. Domodedovo

2. Alexander Sergeev
4. Bruno Dato

۲۰ میلیون نفر در روی کره زمین (در حدود ۴ درصد جمعیت دنیا) مصرف کننده مواد مخدر هستند. درآمد سالیانه از محل تجارت غیر قانونی مواد مخدر در حدود ۵۰ میلیارد دلار است. این رقم معادل درآمد خالص ۲ کشورهایی عضو سازمان ملل متحد می باشد. بر اساس تخمین داتو تا سال ۲۰۱۰، روسیه در حدود ۳ میلیون معتاد به مواد مخدر خواهد داشت. او همچنین بیان کرد که قسمت اصلی هروئین، ماری جوانا، تریاک و کوکائین از طریق آسیای مرکزی و به ویژه از طریق افغانستان و پاکستان وارد اروپای غربی و آمریکا می شود. (۲۰)

منطقه آسیای مرکزی همچنین به شدت در معرض قاچاق مواد هسته ای برای سلاح های کشتار دست جمعی می باشد. برای مثال، نقاط کنترل مرزی قزاقستان دارای هیچ گونه ابزار شناسایی برای کنترل مواد رادیو اکتیو و هسته ای نمی باشد. این منطقه در بین دو ابر قدرت هسته ای روسیه و چین و همچنین همسایگانش، دو قدرت اتمی جدید هند و پاکستان قرار دارد. در دوره شوروی سابق، آسیای مرکزی پایگاه مواد خام برای برنامه های اتمی آن کشور بود. قزاقستان پس از کسب استقلال، محل آزمایشهای اتمی خود را بسته است و خود را تحت قرارداد منع تکثیر سلاح های هسته ای NPT متعهد کرده تا یک کشور با سلاح های غیر اتمی باشد؛ اما این کشور هنوز توانایی خود را که قدرت اتمی باشد از دست نداده است. ازبکستان دارای سومین ذخایر اورانیوم در دنیاست. تاجیکستان نیز دارای ذخایر اورانیوم و توانایی غنی سازی آن می باشد. در این شرایط، قرقیزستان به عنوان یک میراث اتحاد شوروی سابق محل دفن زباله های هسته ای می باشد، بنابراین، در این منطقه تهدید جدی تولید و تکثیر سلاح های تخریب دسته جمعی وجود دارد و راههایی که برای قاچاق مواد مخدر استفاده می شود می تواند برای حمل اجزای سلاح های تخریب دسته جمعی به کار رود. (۲۱)

منافع اقتصادی و دور نما در بخش انرژی

تاریخ نشان دهنده جایگاه مهم آسیای مرکزی به عنوان یک راه ترانزیت برای قاره است. طی زمان، مردم آسیای مرکزی در یک همزیستی اقتصادی متقابل با همسایگان، هند، چین

ایران و اروپا زندگی کرده‌اند.^(۲۲) امروز نیز مجدداً نیاز است تا این روابط دیرینه تقویت شود؛ زیرا تجارت و روابط اقتصادی بین هند و جمهوری‌های آسیای مرکزی نارضایت بخش‌ترین جنبه روابط بالقوه سودمند بین این دو می‌باشد. اوضاع واقعی نشان دهنده سطح پایین تجارت، تعداد محدود پروژه‌های مشترک و فقدان سرمایه‌گذاری قابل توجه توسط تجار و صاحبان صنایع هندی است، اگرچه مقدار کمی خطوط اعتباری دولتی وجود دارد. شرکت‌های سرمایه‌گذار و تولیدی هندی نگران هستند که وارد بازار ناآشنا و جدید آسیای مرکزی شوند. این به خاطر شرایط دلهره‌آور رایج در این منطقه است. یکی از موانع عمده موجود نبودن نقدینگی ارزی و فقدان خدمات تبدیل پول می‌باشد. شبکه حمل و نقل نیز همراه با مشکل می‌باشند و در حال حاضر در منطقه فقط از طریق خط هوایی ارتباط برقرار است.^(۲۳) سه جمهوری از پنج جمهوری آسیای مرکزی به خوبی به هند متصل هستند. تاجیکستان تنها کشوری است که بدون ارتباط هوایی با هند است اما نبود راه زمینی مناسب، مبادلات بانکی و غیره، مانع گسترش تجارت با کشورهای آسیای مرکزی می‌باشند. مع‌هذا به‌طور مقایسه‌ای مزیت‌های بالقوه برای دو منطقه فراوان است. آسیای مرکزی یک بازار مصرفی وسیع است که تشنه طیف وسیعی از کالاهای خدمات است که هند می‌تواند آنها را فراهم کند. هند و آسیای مرکزی از لحاظ اقتصادی در عرصه منابع، نیروی انسانی و بازار می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. این منابع متنوع می‌توانند جهت همکاری‌های منطقه‌ای وسیع‌تر در آسیا متمرکز شوند تا توانایی‌های دو منطقه به‌طور کامل مورد بهره‌برداری قرار گیرد. برای هند همکاری‌های اقتصادی از طریق پروژه‌های مشترک در امور بانکی، بیمه، کشاورزی، تکنولوژی اطلاعات و صنایع داروسازی امکان‌پذیر است. بعضی از کالاهای هندی مانند چای، دارو، مواد شیمیایی، دارویی در بازارهای آسیای مرکزی راه پیدا کرده است^(۲۴) هند جهت افزایش صادرات خود به آسیای مرکزی و بیشتر کردن منافع متقابل از تجارت دو جانبه باید تلاش سختی داشته باشد. این منطقه با ۵۵ میلیون مصرف‌کننده از توانایی خوبی برخوردار است که باید از آن سود جست. دولت هند در صدد است با به‌وجود آوردن فضای مناسب راه را برای ورود شرکتهای هندی به بازارهای منطقه هموار کند. یکی از اقدامات بهبود

راههای حمل و نقل است. فرصت‌های استفاده از راههای زمینی از طریق ایران و ترکمنستان نیز مورد بررسی قرار گرفته است. خطوط حمل و نقل شوسه و راه آهن در ترکمنستان و ایران، به جز قسمت‌هایی کوتاه بین مشهد و سرخس (در ایران) و تجن و سرخس (در ترکمنستان)، وجود دارند. در ۲۲ فوریه ۱۹۹۷ در تهران یک موافقت ترانزیت بین‌المللی بین ترکمنستان، هند و ایران امضاء شد که حایز اهمیت است.^(۲۵) این موافقت نامه جابجایی کالاها را از بنادر هند به بندرعباس در ایران و سپس از آنجا به وسیله جاده و راه آهن به منطقه آسیای مرکزی ممکن خواهد ساخت. هند و روسیه یک راه جدید ترانزیتی از طریق ایران ایجاد کرده‌اند. در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۰ دهلی نو، تهران و مسکو موافقت‌نامه‌ای امضاء کرده‌اند که طی آن‌ها کالا و محموله‌های هندی از طریق یک کریدور شمال جنوب به روسیه فرستاده شود. بر این اساس، کالاهای هندی از طریق بمبئی یا اوخا^۱ از طریق تنگه هرمز در خلیج فارس به مرکز بندرعباس فرستاده می‌شود و از آنجا کانتینرها به کامیون‌ها یا واگن‌های قطار منتقل و به بندرانزلی در دریای خزر حمل خواهد شد. پس از انتقال بار به کشتی‌ها در بندر انزلی به بندر آستاراخان در روسیه برده می‌شود. آستاراخان در گذشته سکوی پرش روسیه تزاری جهت گسترش نفوذ آن کشور در آسیای مرکزی بوده است. راه زمینی از آستاراخان به سرزمین اصلی روسیه بسیار مناسب است و کانتینرها از آنجا به مسکو یا سن پترزبورگ فرستاده می‌شوند. محموله‌ها را می‌توان به علت وجود شبکه‌های بسیار توسعه یافته راه و راه آهن به مقصدهای اروپایی مانند هلسینکی و هامبورگ فرستاد؛ اما به رغم این پیشرفت‌ها هنوز تنگنانهایی وجود دارد که باید از سر راه برداشته شود تا این کریدور شمال جنوب عملاً مورد استفاده قرار گیرد. این کریدور جدید می‌تواند باعث تقویت و گسترش تجارت هند با آسیای مرکزی و اروپای مرکزی گردد.^(۲۶) راه ترانزیتی دیگری که به‌طور وسیعی درباره آن بحث می‌شود توافق با چین برای استفاده از راههای آن کشور برای دسترسی به قرقیزستان از طریق استان سین کیانگ است. هند می‌تواند با ساختن

یک راه ارتباطی در لاداخ^۱ که آن را به جاده تبت - سین کیانگ وصل کند از این جاده استفاده کند. لاداخ در حال حاضر با راه جاده‌ای به استان هیماکال پرادش^۲ متصل است. موفقیت مالی کشورهای دیگر در آسیای مرکزی منوط به سرمایه گذاری آنها در آن منطقه می باشد؛ منطقه‌ای که هند هنوز به طور جدی آن را مورد بررسی قرار نداده است. در سال ۲۰۰۰ تصمیم گرفته شد که هر ساله چند پروژه آزمایشی در کشورهای آسیای مرکزی اجرا شود. در حال حاضر، کارخانه معروف ماشین آلات هند (اچ ام ت) یک مرکز تولید ابزار در ترکمنستان تأسیس کرده است؛ همچنین همکاری‌های فنی نیز آغاز شده است. هدف از این امر برپایی یک مرکز پیشرفته توسط هند است. آنها همچنین یک مرکز پلی تکنیک دارند که در آنجا آموزش‌های نظری به افراد داده می شود. اما مرکز تولید ابزار در آموزش‌های عملی نیز دخیل است. در مرکز تولید ابزار هند نه تنها دانشجویان بلکه صنعتگران نوپا و افرادی که می خواهند کسب کار فردی خود را به راه اندازند می توانند از این مرکز استفاده کنند. به همین ترتیب، هر ساله یک پروژه در یکی از کشورهای آسیای مرکزی اجرا خواهد شد و این فرآیند ادامه خواهد یافت.

در همین حال، یک برنامه فنی آغاز شده است. کشورهای آسیای مرکزی که از لحاظ فنی در موقعیت پیشرفته تری قرار دارند می توانند از این برنامه استفاده کنند و آنها نیز در استفاده از موقعیت‌های فنی ارایه شده تحت این برنامه جدید دارند. هنگامی که ما در مورد گسترش همکاری اقتصادی با آسیای مرکزی صحبت می کنیم تجارت تنها امر مورد نظر نیست. کشورهای آسیای مرکزی تصمیم گرفته اند که سیاست افزودن ارزش به مواد اولیه در کشور خود را دنبال کنند. آنها نگران هستند که منابع کشورشان به صورت خام صادر شود و آن امری است که کمک چندانی به آسیای مرکزی نمی کند. بنابراین تأکید آنها بر این است که افراد با هدف سرمایه گذاری به کشورهای بیابند و ارزشی بر منابعی که در آنجا موجود است بیفزایند. اگر این اولویت سیاست‌ها در نظر گرفته شود تأکید اصلی هند باید بر فعالیتهای تولیدی و صنعتی باشد. کشاورزی تجاری از

1. Ladakh

2. Himachal Pradesh

دیگر حوزه‌هایی است که هند و جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند. دورنمای فعالیت‌های زیربنایی و ساخت زیر بناهای دیگر در دراز مدت امکان‌پذیر است. این‌گونه فعالیتها می‌تواند برای دو طرف سودمند باشد. در بیشتر کشورهای آسیای مرکزی ساخت زیر بناهای اقتصادی رایج است. یکی از نمونه‌های بارز آن آستانا در قزاقستان می‌باشد که تعداد زیادی فعالیت‌های ساختمانی در دست ساخت است. آنها در حال ساختن شهر جدیدی هستند. این یک موقعیت خوب برای شرکتهایی است که متخصص در امور ساختمان و امور زیر بنایی هستند. این بخش کلید ورود به بازارهای آسیای مرکزی است. به لحاظ همکاری اقتصادی، قزاقستان برای هند حائز اهمیت است. شش شرکت هندی در قزاقستان دارای اعتبار هستند و نه پروژه مشترک در آنجا به ثبت رسیده است. چنانچه کریدور حمل‌ونقل به وجود آید زمینه بسیار مناسبی برای اکتشاف نفت و بازار انرژی خواهد بود. در اوت ۱۹۹۹، یادداشت تفاهم متقابل برای پروژه ساخت یک کارخانه با تکنولوژی پیشرفته برای استفاده از ضایعات ذغال سنگ امضاء گردید. در همان زمان، یک طرح مشترک برای مطالعه امکان‌سنجی انجام طرح در نوامبر ۱۹۹۹ با شرکت هندی لارسن و توبرو^۱ امضاء گردید. در اقدامی دیگر، یک یادداشت تفاهم متقابل و همکاری برای توسعه صنایع کوچک و به وجود آوردن محل کار جدید در دهلی امضاء گردید. در حال حاضر، صنایع کوچک و مرکز توسعه کارهای صنعتی در آستانا در دست احداث است. تلاش‌هایی در دست انجام است که مشکل حمل و نقل بین بمبئی و آستانا را برطرف نماید. در حال حاضر، سالیانه ۳۵۰ کانتینر از طریق بنادر هند وارد و صادر می‌شود. (۲۷)

در همین حال، باید تأکید کرد بدون سرمایه‌گذاری، بدون درگیر شدن در اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی نمی‌توان به پیشرفتی دست یافت. بنابراین، تجار و صاحبان صنایع هندی باید جهت‌گیری‌های خود را تغییر و متوجه این بازار کنند. در اینجا باید یک تقسیم‌کار و مسئولیت وجود داشته باشد. دولت، مسئولیت دارد فضای مناسب برای فعالیت تجار هندی

به وجود آورد. سپس وظیفه شرکت‌های هندی است که پول خود را به آنجا ببرند، خطرات را بپذیرند و مزایا را حساب کنند و در آسیای مرکزی درگیر شوند. در این راستا، ابتکارات جدیدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از آنها به وجود آوردن صندوق مشترک آسیای مرکزی است. بودجه این صندوق مشترک در اختیار افرادی که خواهان تجارت با آسیای مرکزی هستند قرار خواهد گرفت. (۲۸)

در سمیناری که اخیراً در دهلی برگزار گردید شرکت‌کنندگان تاجیکی پیشنهادهایی برای همکاری بین تاجیکستان و هند مطرح کردند. بنابه گفته آنها تجارب هند در آلودگی و تصفیه آب می‌تواند برای تاجیکستان بسیار با ارزش باشد؛ زیرا این مسأله یکی از مشکلات حاد تاجیکستان می‌باشد. مورد دیگری که تاجیکستان می‌تواند از کمک‌های هند استفاده کند. استفاده از انرژی هیدروالکتریکی و ساختن نیروگاه‌های کوچک می‌باشد. تاجیکستان همچنین می‌تواند از تجارب و تکنولوژی به عمل آوردن مصالح ساختمانی مانند مرمر، گرانیت و سنگ‌های دیگر استفاده کند. همچنین صنایع نیمه هادی با استفاده از مواد خام در تاجیکستان می‌تواند تاسیس شود. (۲۹) بنابراین، می‌توان گفت که هند و آسیای مرکزی هر دو دارای توانایی‌های بالقوه سودمندی جهت تجارت با یکدیگر می‌باشند.

یکی از حوزه‌های مهم برای هند و آسیای مرکزی بخش نفت و گاز است. به نظر می‌رسد که این منطقه دارای یکی از ذخایر عمده انرژی در جهان است. یکی از تخمین‌های جاری بر این عقیده است که منطقه دریای خزر دارای ۶۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ میلیون تن (۴ تا ۷ درصد ذخایر جهان) ذخایر نفت است. ممکن است که این ذخیره بین ۵۰۰۰ تا ۹۰۰۰ میلیون تن گاز باشد (۵ تا ۸ درصد ذخایر جهان). در مقایسه با خاور میانه که ۶۵ درصد ذخایر جهان را دربر دارد، ذخایر منطقه خزر ناچیز به نظر می‌رسد. (۳۰) بر اساس تخمینی که توسط منابع آسیای مرکزی داده شده است ذخایر نفت تأیید شده ۱۳ تا ۱۵ میلیارد بشکه می‌باشد که این رقم ۲/۷ درصد ذخایر اثبات شده دنیا است. ذخایر اثبات نشده گاز طبیعی در آسیای مرکزی ۲۷۰ تا ۳۶۰ تریلیون فوت مکعب می‌باشد که ۷ درصد ذخایر گاز جهان است. همچنین نظری وجود دارد که معتقد است که

ذخایر نفت منطقه آسیای مرکزی ۶۰ تا ۱۴۰ میلیارد بشکه است.^(۳۱) به‌رغم نوسان در تخمین‌های مختلف یک نکته روشن است و آن اینکه این مناطق در صدی از ذخایر نفت و گاز را در خود دارد. بنابراین، ما نباید در این اندیشه باشیم که آسیای مرکزی چه مقدار نفت یا گاز دارد یا ندارد یا اصلاً ندارد بلکه اینکه منطقه اساساً مورد توجه و علاقه هند است. ذخایر اصلی گاز و نفت در جمهوری‌های آسیای مرکزی در قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان است. در قرقیزستان و تاجیکستان منابع فراوان انرژی هیدروالکتریکی وجود دارد. در تاجیکستان در هر کیلومتر مربع سرزمین آن دو میلیون کیلووات در ساعت منبع انرژی هیدروالکتریکی وجود دارد و این رقم بسیار بالایی است. میانگین متوسط برای جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلووات در ساعت است. بنابراین، چنانچه بتوان انرژی هیدروالکتریکی ارزان در این منطقه را از راه‌های عملی به هند رساند می‌تواند برای هند مفید باشد.^(۳۲) با افزایش مصرف انرژی در هند که سالانه ۶ درصد در سال می‌باشد وابستگی به واردات (در حال حاضر ۶۰ تا ۷۵ درصد) دو برابر خواهد شد و تا سال ۲۰۱۰ به ۱۵۰ میلیون تن در سال خواهد رسید.^(۳۳) هند در حال حاضر از لحاظ مصرف انرژی از انگلستان پیشی گرفته است و رتبه ششم بزرگترین مصرف‌کننده انرژی دنیا را دارد و تا پایان دهه اول قرن بیست و یکم در بین پنج مصرف‌کننده عمده انرژی در دنیا خواهد بود. رشد تولید ناخالص هند که بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ ۵/۶ درصد بوده است در دهه‌های آینده انتظار می‌رود تا به ۷ تا ۸ درصد برسد. برای حفظ این رشد اقتصادی، هند نیاز به مقادیر زیادی انرژی دارد.^(۳۴) بنابراین، امنیت منابع انرژی باید در ملاحظات امنیت ملی مورد بررسی قرار گیرد. در این رابطه سفیر هند (سیکری^۱) در سمیناری که در دهلی برگزار گردید پیشنهاد تشکیل یک انجمن انرژی آسیایی را داد. بنا به گفته او این انجمن مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اصلی نفت در آسیا را در کنار یکدیگر خواهد آورد. در این زمینه آسیای مرکزی می‌تواند منبع انرژی آینده هند باشد. دسترسی و فراهم

نمودن گاز و نفت در آسیای مرکزی یکی از عمده‌ترین دشواری‌ها خواهد بود. هزینه سنگین این امر یکی از مهمترین موضوعات قابل ملاحظه است. پیشنهاد مبادله نفت مانند پیشنهادی که توسط ترکمنستان ارائه می‌شود می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. این پیشنهاد برای مبادله نفت بین ایران و ترکمنستان است. ایران در مناطق شمالی خود نفت کافی ندارد. ترکمنستان پیشنهاد می‌کند که از طریق دریای خزر به ایران نفت تحویل دهد. در عوض ایران به هند در جنوب کشورش نفت بدهد. گروه مشترک کاری در مورد انرژی بین هند و ترکمنستان تأسیس شده است. در ژوئیه ۲۰۰۰، ایران و هند از شرکت دولتی روسی گاز پروم دعوت کردند که یک خط لوله به موازات ساحل دریا برای انتقال گاز از ایران به هند تأسیس کند. شرکت گاز پروم سی درصد سهام توسعه یکی از بزرگترین میدان‌های گازی در ایران را به عهده دارد. بنا به گفته والری ریمیزوف^۱ نایب رئیس گاز پروم، روسیه توسعه این میدان گازی را افزایش خواهد داد و یک شرکت مشترک برای انتقال و بازاریابی گاز به هند به وجود خواهد آورد.^(۳۵)

نتیجه‌گیری

بر اساس نکات بالا چنین می‌توان خلاصه کرد: اولاً، آسیای مرکزی یک پدیده به وجود آمده ژئوپولیتیک جدید است که در سالهای آتی نقش استراتژیک مهمی خواهد داشت. این منطقه در وسط سه تمدن بزرگ اسلامی، مسیحی و بودایی قرار دارد و به نظر کارشناسان یکی از مناطقی است که مستعد بی‌ثباتی در بین تمدنهای بالا است. این منطقه می‌تواند به صورت طبیعی منطقه حائل شکل گرفته تاریخی باشد و همچنین می‌تواند یک مرکز گسترش اسلام‌گرایی افراطی باشد. به خاطر قرار گرفتن در وسط قاره اوراسیا یکی از مناسبترین راههای ترانزیت است. این منطقه سرشار از مواد معدنی بخصوص هیدروکربن است. به عنوان یک بازار کالاهای مصرفی نیاز به زمان طولانی‌تر دارد که مورد بهره‌برداری قرار گیرد. تمام این عوامل

1. Valery Remizov

موجب افزایش علاقه کشورهای دیگر به جمهوری‌های آسیای مرکزی گردیده است. کارشناسان بر این اعتقادند که در قرن بیست و یکم آسیای مرکزی منطقه مهمی خواهد شد. ثانیاً، هند به‌عنوان همسایه پیوسته جمهوری‌های آسیای مرکزی دارای علائق ژئواستراتژیک و اقتصادی در منطقه است. دورنمای همکاری‌های آتی بین آسیای مرکزی و هند در عرصه امنیت انرژی بسیار مهم است.

صلح و ثبات در جمهوری‌های آسیای مرکزی و افغانستان حیاتی‌ترین عامل برای امنیت هند است. قدرتهای جهانی در حال حاضر به‌خوبی به خطرات افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم پی برده‌اند. در حقیقت مشکل تروریسم نه تنها در سطح دو جانبه بلکه در نشست‌های منطقه‌ای مانند شانگهای پنج و کنفرانس همکاری و اقدامات جهت اعتمادسازی در آسیا مورد بررسی قرار می‌گیرد. شانگهای پنج، گروهی است که روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان را با هم متحد می‌کند. در ژوئیه ۲۰۰۰، در نشستی که در دوشنبه برگزار گردید ازبکستان برای اولین بار به عنوان عضو ناظر شرکت جست. بر اساس متن اعلامیه سران شانگهای پنج، «امضاکنندگان عزم قاطع خود را برای مبارزه مشترک بر علیه تروریسم بین‌المللی، افراط‌گری مذهبی و جدایی‌طلبی ملی که تهدید اصلی بر علیه امنیت منطقه‌ای، ثبات و توسعه می‌باشد و بر علیه فعالیت‌های جنایتکارانه مانند توزیع غیر قانونی سلاح و مواد مخدر، مهاجرت غیر قانونی اعلام کردند. براساس این اهداف گروه شانگهای پنج یک برنامه مناسب چندجانبه را تهیه خواهند کرد. توافق‌ها و قراردادهای چندجانبه جهت همکاری امضاء خواهند نمود». اعلامیه همچنین قید می‌کند که شرکت‌کنندگان در «کنفرانس همکاری و اقدامات جهت اعتمادسازی در آسیا^۱» را فرآیندی مثبت در قاره آسیا می‌دانند که همراه با مکانیزم و ساختارهای موجود فرصت بیشتری برای گفتگوی سیاسی در مورد موضوعات امنیت منطقه‌ای، تقویت اعتماد متقابل و گسترش همکاری‌های چندجانبه را به‌وجود می‌آورد.^(۳۶) بنابراین هند باید در این

1. Conference on Interaction and Confidence - Building Measures in Asia (CICA)

موقعیت از فرصت پیش آمده استفاده کند و با قدرت‌های جهانی دیگر جهت مبارزه با تهدید بنیادگرایی همکاری کند». همچنین، برای هند مهم است که تضمین گردد اولاً، این منطقه وارد دسته‌بندی‌های خصمانه بر علیه هند نشود. ثانیاً، هند نیاز به این امر دارد که به دقت مواظب گرفتن امتیازهای استراتژیک در منطقه توسط پاکستان باشد. ثالثاً، هند باید بر یک سیاست دیپلماسی اقتصادی در مقابل جمهوری‌های آسیای مرکزی تمرکز کند.

ثبات در جمهوری‌های آسیای مرکزی اثرات قابل توجهی بر امنیت داخلی هند، روسیه و دیگر کشورهای همسایه دارد. اما مهمترین مسأله‌ای که باید به آن توجه شود مسأله ثبات در جمهوری‌های آسیای مرکزی است. زمینه بسیار قوی برای تشکیل چارچوب‌های همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی وجود دارد. این چارچوب می‌تواند مانند دیگر اتحادیه‌های منطقه‌ای باشد. بدون آنکه یک ویژگی خاص مانند مذهب یا قومیت داشته باشد و بدین‌وسیله می‌توان از بروز اصطکاک بین قومیت‌های ملی احتراز کرد. رهیافت‌های منطقه‌ای برای به‌وجود آوردن صلح و ثبات در منطقه حائز اهمیت است. کشورهای شرق آسیا در تشکیل یک نظام چندجانبه در عرصه اقتصادی، همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام (آپک) و گروه منطقه‌ای آسه‌آن در عرصه امنیتی موفق بوده‌اند. آنها وابستگی متقابل یکدیگر را تعمیق بخشیده‌اند و بدین‌وسیله امنیت پایدار را تضمین کرده‌اند. تمرکز گسترده منابع و امکانات در جنوب آسیا می‌تواند در یک همکاری منطقه‌ای وسیع‌تر مفید باشد که به سهم خود به شکل‌گیری صلح با دوام در منطقه کمک خواهد کرد. جنوب آسیا در حال حاضر روابط اقتصادی نزدیکی با جنوب شرق آسیا برقرار کرده است و در همین زمان یک زیر گروه منطقه‌ای جهت همکاری اقتصادی متشکل از هند بنگلادش، سری لانکا و تایلند تشکیل می‌دهد.^(۳۷) نکات فوق به روشنی بر ضرورت همکاری عمیق‌تر بین کشورهای آسیای مرکزی تأکید می‌کند. رهیافت هند نسبت به منطقه آسیای مرکزی شرکت و همکاری مثبت است. بنابراین دیپلماسی اقتصادی باید اساساً سمت‌گیری اصلی سیاست هند نسبت به منطقه باشد. امری که هند در رابطه با کشورهای جدید نیازمند آن است سازگاری منافع است و نه برخورد آن.

یادداشت‌ها

۱. در قرن دهم، این منطقه توسط شعرای معروف ایرانی به نام توران نامیده می‌شد، فردوسی (۱۰۲۵-۹۳۴م) و آمودریا مرز طبیعی آن با ایران بود. جغرافیدانان کلمه ماوراءالنهر عربی را برای این منطقه بین آمودریا و سیر دریا به کار برده‌اند. بعدها اسم دیگری به نام ترکستان به این منطقه نسبت داده شد و وقتی که این منطقه تحت نفوذ ترک‌ها قرار گرفت. این کلمه سه بار توسط بنیانگذار امپراتوری مغول در هند (بابر) در فرمان بابری مورد استفاده قرار گرفت. امروزه ترکستان به سه منطقه ژئوپلیتیک تقسیم می‌شود: ترکستان چین که همان استان سین‌کیانگ چین است، ترکستان افغانستان در منطقه شمالی افغانستان، ترکستان روسیه متشکل از پنج جمهوری مسلمان آسیای مرکزی.

Maqsudul Nasan Nuri, "India & Central Asia; Past, Present and Future" Regional Studies (Islamabad), Vol.21(1), Winter 1992-93, p.69.

2. Lawrence Krader in *Encyclopaedia Britannica* (MACROPAEDIA), Vol.3, 1982, p.119.

3. Mike Collett - white "Asian Unrest Shows Regions Vulnerability" *The Almaty Herald* (Almaty), August 17-23, 2000.

4. Yelena Kayuzhnova and Dov Lynch (eds) *The Euro - Asian World: A Period of Transition* (London: Macmillan Press, 2000), pp.29-30.

5. P.Stobdan, «India and Central Asia: Imperative for Regional Cooperation in Peace and Security in Central Asia» Occasional Paper Series, (New Delhi: IDSA, September 2000) pp.96-98.

6. *Ibid.*

7. Dadan Upadhyay "Central Asian Nations to Back Russia in Fight Against Terrorism" *Indian Express*, September 27, 1999.

8. "Fundamentalist Threat Rising in Central Asia" <<http://www.stratfor.com>>2000

9. Mike Collett-White, "Asian Unrest shows Region's Vulnerability". *The Almaty Herald* (Almaty), August 17-23, 2000.

10. Alexander Knazev "Afghanistan as a Source of Religious Extremism and Terrorism for Countries of Central Asia" (1999-2000), Paper presented at Seminar on "Afghanistan Crisis: Problem and Prospects of Peace", New Delhi, November 19-21, 2000.

11. Ibid.
 12. Marat Mama Dshayav, "Central Asia and Russia Consider Responses to Potential Taliban. Aggression", <<http://www.Cursasianet.org>> November 2000.
 13. Ahmed Rashid, Taliban, Islam, Oil and the New Great Game in Central Asia (London: I.B. Taurus, 2000) p.120.
 14. "Kazakhstan in Brief" The Globe (Almaty), No.13 (431), February 22, 2000.
 15. Todd Diamond, "The Six-Plus-Two Group Unveils Anti-Trafficking Action Plan for Afghanistan", <<http://www.eurasianet.org>> November 4, 2000.
 16. "Kazakhstan in Brief", *op.cit.*
 17. Erika Dailey, "Government and International Responses to Human Right Abuses at Tajikistan" <<http://www.eurasianet.org>> November 4, 2000.
 18. A.U. Jumabaev, "Emerging Regional Security Challenges" Paper Presented in India Central Asia Seminar in New Delhi on September 11-12, 2000.
 19. "Russia Suggests Creating Second Safety Belt" The Times of Central Asia (Bishkek), Vol.2, No.26 (69), June 29, 2000.
 20. Ibid.
 21. Jumabaev, *op.cit.*
 22. "A Perspective for Central Asia - India Relation: Common Ties of History" The Times of Central Asia, January 27, 2000.
- یاقوت حموی، جغرافیدان اسلامی قرن ۱۲ اشاره می‌کند: «یک بازرگان موفق اهل مرو یک انبار کالا در کنار رود ولگا داشت و یک بار خانه دیگر را در گجرات هند صاحب بود. او موفقیت خود را در زمینه تجارت مدیون ایفای نقش به‌عنوان فردی متعادل بود». در واقع، آسیای مرکزی تقاطعی برای عبور و حضور بازرگانان و مسافران بود که در این منطقه جوامع بازرگانی در هماهنگی کامل با یکدیگر در ارتباط و تماس بودند.
23. Alope Sen, "Strengthening India- Central Asia Cooperation: Especially Economic and Trade Relations" Paper presented in India - Central Asia Seminar in New Delhi on September 11-12, 2000.

24. Muhammad Azhar, "The Emerging Trade Relation Between India and Central Asia" in Shams-ud-din, Nationalism in Russia and Central Asian Republics, (New Delhi: Lancer Books, 1999), p.329.
25. M. Abuseitova, "Strengthening India - Central Asia Cooperation: Especially Economic and Trade Relation" Paper presented in India - Central Asia Seminar in New Delhi, September 11-12, 2000.
26. "New Delhi, Moscow Developing New Trade Route Via Tehran" The Hindu, November 3, 2000.
27. M. Abuseitova, *op.cit.*
28. Alope Sen, *op.cit.*
29. A Dilshot, "Strengthening India - Central Asia Cooperation: Especially Economic and Trade Relations", paper Presented in India - Central Asia Seminar in New Delhi, September 11-12, 2000.
30. "The Geo-Politics of Caspian Oil" Jane's Intelligence Review, Vol.12, No.7, July 2000.
31. Alim Jone, "The Energy Security Challenges and Resource: Transport Corridors" Paper presented in Seminar in New Delhi on September 11-12, 2000.
32. Ibid.
33. "India Vulnerable to Oil Supply Cuts" The Hindu, February 1996.
34. S. Ray Dadwal, "Energy Security: Challenges and Resources: Transportation Corridors" paper presented in New Delhi, September 11-12, 2000.
35. <<http://www.Stratfor.com>> 2000.
36. Shanghai Five Summit Declaration Text, Tajikistan Daily Digest, November 4, 2000 in <<http://www.eurasianet.org.2000>>
37. "A Perspective for Central Asia - India Relations" The Times of Central Asia, January 27, 2000.